فصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی رفاه اجتماعی، سال شانزدهم، پاییز ۹۵، شماره ۶۲
Social Welfare Quarterly, Vol 16, Fall 2016, No 62

مطالعه تجربه ایفای هم‌زمان نقش شغلی – خانوادگی در زنان سرپرست خانوار با تأکید بر زنان دست‌فروش مترو

Studying the experience of playing the role of the job - family by female-headed households with an emphasis on subway female peddlers

مریم رفعت‌جاه*، مرجان ربیعی**

مقدمه: *مطالعات خانواده در مناطق مختلف جهان، حاکی از افزایش خانواده‌های زن‌سرپرست است. در شرایط کنونی، پیامد افزایش این نوع خانواده‌ها، فزونی فقر و آسیب‌پذیری اجتماعی و شیوع بالای فشارهای روانی در جامعه است. افزایش زنان شاغل به‌ویژه زنان سرپرست خانواری که برای گذران زندگی در مترو به دست‌فروشی می‌پردازند، از یک‌سو در تغییر الگوهای خانوادگی مؤثر است و از سوی دیگر، بازتاب تغییر الگوهای ناشی از تحول ساختاری در خانواده بوده و در مناسبات اجتماعی آشکار می‌شود. این واقعیتی است که جامعه ما از یک‌سو، با فشار الگوهای فرهنگی سنت‌گرا در زمینه نقشهای زن و مرد و تقسیم کار مبتنی بر جنسیت روبه‌روست و از سوی دیگر، پذیرش نقشهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تر از جانب زنان مشارکت بیش‌ازپیش آنان در مسئولیتها و مشکلات زندگی خانوادگی را می‌طلبد. هدف از این پژوهش، شناخت آثار ایفای نقشهای چندگانه در زنان دست‌فروش مترو، نگرش زنان یاد شده نسبت به خودشان و راهکارهای آنان برای رفع فشارهای نقشی بوده است.*

* دکتر جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه تهران
** کارشناسی‌ارشد مطالعات زنان، دانشگاه تهران،
<marjanrabiee62@yahoo.com>

Maryam Rafatjah[1], Marjan Rabiei[2]

Introduction: The family studies conducted worldwide revealed an increase in female headed families. In the current situation, the increase in female headed families will lead to the increase in poverty and social vulnerability as well as a high prevalence of psychological pressure in the society. The increase in the number of working women, particularly those of female headed families who make a living by peddling their wares around the subways, can have an impact on changing the family patterns on the one hand, and reflects the changed patterns caused by the structural transformation in the family which is manifested in the social relations, on the other hand. This is a fact that our society is faced with the pressure of traditionalist cultural patterns regarding men and women's roles and gender-based division of labour, on the one hand, and it requires the acceptance of broader social and economic roles by women and their higher participation in accepting the

1. Ph.D in sociology
2. M.A. Women's Studies,
<marjanrabiee62@yahoo.com>

روش: مقاله حاضر بر پایه یافته‌های یک مطالعه کیفی با استفاده از تکنیک مشاهده و مصاحبه نیمه ساخت‌یافته با زنانی است که در مترو به دست‌فروشی می‌پردازند. نمونه‌گیری نیز به شیوه گلوله برفی که یکی از راهبردهای نمونه‌گیری غیر تصادفی است، انجام شده است.

یافته‌ها: این تحقیق نظریه‌های تکثر نقش و اعتلای نقش را که در چارچوب نظری تشریح شده تأیید می‌کند. نقشهای مختلف زنان دست‌فروش مترو (نقش اقتصادی، نقش مادری، نقش خانه‌داری) مجموعه‌ای از فرصتها و محدودیتها را در اختیارشان می‌گذارد. داشتن شغل با رشد مهارتها، ایجاد یک چهارچوب زمان‌بندی‌شده منظم برای زندگی همراه بوده و حتی فشارهای روانی ناشی از برخورد نقشها در آنها را به حداقل رسانده است. درواقع یافته‌ها دلالت بر این مسئله دارند که در سطح همین نمونهٔ خاص تعدد نقش تأثیر مخربی بر این زنان نداشته است.

بحث: نتایج حاکی از این واقعیت است که گرچه رویکردهایی مانند تکثر نقش و فشار بار اضافی نقش باعث شده که این افراد از نظر اختلالات روانی مثل اضطراب، خستگی و افسردگی نسبت به زنانی که فقط به نقشهای سنتی می‌پردازند در وضعیت نامطلوبی قرار گیرند ولی در مقابل با توجه به نظریه اعتلای نقش، اشتغال به‌عنوان نقشی جدید موجب عزت نفس، استقلال مالی و کسب حمایت اجتماعی گسترده‌تری شده است. همچنین

responsibilities and solving the problems of the family life, on the other hand. This study aimed to identify the effects of performing multiple roles on , female peddlers in subways their attitudes toward themselves and their strategies to address the role pressure.
Method: A qualitative study using observation techniques and semi-structured interviews with female peddlers in the subways was applied. Participants were chosen through snowball sampling, a non-probability sampling technique.
Findings: This study approved the role accumulation theory and the role enhancement theory describe in the theoretical framework. The multiple roles of subway female peddlers (e.g.economic role, maternal role and housekeeping) provided them with a set of opportunities and constraints. Having a job was associated with developing skills and creating a regularly scheduled framework for life and it had minimized the psychological pressures caused by the conflict of the roles. Therefore, the results showed that having multiple roles does not affect women destructively.
Discussion: The results of the study showed that although approaches, such as role plurality, role conflict and

با ایجاد حس مفید بودن، بخشی از نیازهای روانی آنان را تأمین کرده و موجب گسترش عاملیت، توانمندی و خودباوری این زنان شده است.

کلیدواژه‌ها: نقش شغلی- خانوادگی، زنان سرپرست خانوار، دست‌فروشی در مترو، ایفای نقش چندگانه

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۱۵
تاریخ پذیرش:۹۵/۸/۲۹

the pressure of role overload lead these women to have adverse conditions in terms of anxiety, fatigue and depression compared to those women who accept only the traditional roles (e.g. housekeeping), having a job leads to higher self-esteem, more financial independence as well as achieving extensive social support. Moreover, by creating feelings of usefulness, a part of the psychological needs are met and their capability and self-confidence are increased.

Keywords: Female headed households, job-family role, peddling in subways, performing multiple roles

مقدمه

«زنان سرپرست خانوار» یا «خودسرپرست» ازجمله گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه هستند که به هر دلیلی مسئولیت امرار معاش خانواده را بر عهده دارند (بنیانیان، ۱۳۸۵). این افراد می‌توانند شامل زنان بیوه، زنان مطلقه (اعم از زنانی که پس از طلاق به‌تنهایی زندگی می‌کنند یا به خانه پدری بازگشته، ولی خود امرار معاش می‌کنند)، همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان مهاجر، همسران مردانی که در نظام‌وظیفه مشغول خدمت هستند، زنان خودسرپرست (زنان سالمند تنها)، دختران خودسرپرستی که هرگز ازدواج نکرده‌اند و همسران مردان ازکارافتاده و سالمند باشند. آثار اجتناب‌ناپذیر ایفای نقشهای چندگانه زنان بر روابط با فرزندان و آثاری که بر سرنوشت خودشان بر جای می‌گذارد پیچیدگی بیشتری می‌یابد به‌ویژه که این زنان می‌کوشند

زندگـی خانوادگـی را بـر اسـاس نـوع شغلشـان برنامه‌ریـزی کننـد. ایـن پیچیدگـی هنگامـی بازتـاب می‌یابـد کـه ایـن زنـان درصـدد تعریـف نقـش خـود برمی‌آینـد و در تأمیـن معـاش و بـروز خلاقیت‌هـا و توانایی‌هـای آموزشـی و شـغلی بـا مـردان بـه رقابـت برمی‌خیزنـد. امـا از جهتـی دیگـر نیـز نمی‌تواننـد از روابـط خانوادگـی و وظایـف عمـده‌ای کـه در شـبکه ارتباطـی خانـواده و روابـط بـا اعضـای خانـواده دارنـد غفلـت ورزنـد. داشـتن شـغل یـا فعالیـت مثبـت در اجتمـاع بـرای ایـن زنـان از طرفـی ممکـن اسـت بـا رشـد مهارتهـا، ایجـاد یـک چهارچـوب زمان‌بنـدی شـده منظـم بـرای زندگـی، تعامـل اجتماعـی و کسـب هویـت فـردی و شـغلی همـراه باشـد و حتـی ممکـن اسـت بـه سـلامت روانـی بسـیاری از ایـن زنـان متأهـل و سرپرسـت کمـک کنـد. بهداشـت و سـلامت روانـی مناسـب، ایـن افـراد را قـادر می‌سـازد کـه تواناییهـای جسـمی خـود را بـه حداکثـر برسـانند تـا زندگـی اجتماعـی و اقتصـادی مفیـد و هماهنـگ داشـته باشـند و فشـارهای روانـی ناشـی از برخـورد نقشـها در آنهـا بـه حداقـل برسـد. از طرفـی ممکـن اسـت بـه دلیـل مضاعـف شـدن وظایـف ایـن زنـان و خسـتگی ناشـی از آن موقعیـت خانوادگـی، اقتصـادی، اجتماعـی و عـزت نفـس آنهـا تحـت شـرایط نامطلوبـی قـرار گیـرد. درنتیجـه ایـن تعـدد نقشـها سـبب بـروز تغییراتـی در طـرز تفکـر، سـبک زندگـی روزانـه، کاهـش اعتمادبه‌نفـس و افزایـش بیماریهـای جسـمی و روانـی آنهـا شـود (طباطبایـی، ۲۰۰۳).

افزایـش زنـان شـاغل به‌ویـژه زنـان سرپرسـت خانـواری کـه بـرای گـذران زندگـی در متـرو بـه دست‌فروشـی می‌پردازنـد، از یک‌سـو در تغییـر الگوهـای خانوادگـی مؤثـر اسـت و از سـوی دیگـر، بازتـاب تغییـر الگوهـای ناشـی از تحـول سـاختاری در خانـواده بـوده و در مناسـبات اجتماعـی آشـکار می‌شـود. ایـن واقعیتـی اسـت کـه جامعـه مـا از یک‌سـو، بـا فشـار الگوهـای فرهنگـی سـنت‌گرا در زمینـه نقشـهای زن و مـرد و

تقسیم کار مبتنی بر جنسیت روبروست و از سوی دیگر، پذیرش نقشهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تر از جانب زنان مشارکت بیش‌ازپیش آنان در مسئولیتها و مشکلات زندگی خانوادگی را می‌طلبد. به‌هرحال، واضح است که زنان سرپرست خانوار برای ایجاد تعادل میان الزامات شغلی و نقشهای مادری و خانه‌داری مدام در حال تلاش‌اند تا از فشارها و تعارضات ناشی از تعدد نقشها که وجوه مختلف سلامت و سازگاری آنان را تهدید می‌کند بکاهند (صالحی، ۱۳۷۳).

آمارها نشان‌دهنده روند فزاینده تعداد و نسبت زنان سرپرست خانوار طی سه دهه اخیر است. به‌طوری‌که در سالهای ۱۳۸۵، ۱۳۷۵، ۱۳٦۵ و ۱۳۵۵ خانوارهای زن‌سرپرست به ترتیب ۷/۱، ۷/٤، ۸/٤ و ۹/٤۵٪ از کل خانوارهای ایرانی را تشکیل داده‌اند. مطابق آخرین آمار رسمی (نتایج سرشماری سال ۹۰) در ایران بیش از ۲۱ میلیون و ۱۱۰ هزار خانوار زندگی می‌کند که در ۸۸٪ آنها مردان مسئول تأمین معیشت خانوار هستند و در ۱۲٪ باقیمانده، زنان بار زندگی را به دوش می‌کشند. این در حالی است که تنها فقط ۱۸٪ زنان سرپرست خانوار موفق به پیدا کردن شغل می‌شوند و ۸۲٪ از این قافله جا می‌مانند، یعنی زنانی که هیچ شغلی ندارند، تحت پوشش هیچ بیمه‌ای نیستند و برای گذران زندگی یا به اطرافیان خود وابسته می‌شوند یا ممکن است برای امرار معاش پایشان بلغزد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). ارقام مربوط به دامنه سنی این گروه از زنان، زنان کمتر از ۳۵ سال، ۳۵ تا ٦٤ سال و ٦۵ سال به بالا را شامل می‌شود که البته آمارها نشان می‌دهد بیشتر زنان سرپرست خانوار، زنانی میانسال هستند. به‌طوری‌که در سال ۹۰ سهم زنان سرپرست خانوار بالای ٦۵ سال، به ٦/۳۹٪ رسیده است. همچنین قابل ذکر است که در یک دوره ۱۵ ساله از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ تعداد خانوارهای دارای سرپرست زن حدود ۲. ۵ برابر افزایش داشته است. بر اساس آخرین نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰

دو دلیل عمده افزایش زنان سرپرست خانوار فوت همسر و طلاق است؛ به‌گونه‌ای که ۴/۷۱٪ از زنان سرپرست خانوار همسر خود را براثر فوت از دست داده‌اند، ۶/۱۷٪ بدسرپرست هستند، حدود ۱۰٪ از این خانوارها براثر طلاق زن سرپرست خانوار شده‌اند و ۵٪ نیز هرگز ازدواج نکرده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با توجه به آمارهای ذکر شده، ضرورت مطالعه این دسته از خانواده‌ها و شناخت عواملی که بر سلامت روانی این زنان تأثیر دارد از دو جهت لازم به نظر می‌رسد:

۱- در حال حاضر جامعه آماری اکثر تحقیقات انجام‌گرفته در این حوزه را آن دسته از زنان سرپرست خانواری تشکیل می‌دهند که تحت پوشش سازمان بهزیستی یا کمیته امداد هستند. اکثر داده‌های جمع‌آوری‌شده در مورد این موضوع نیز داده‌های کمی بوده‌اند. بنابراین نیاز است با مطالعات بیشتر، اطلاعات عمیق‌تری از طریق داده‌های کیفی حاصل شود. از سوی دیگر مطالعه در حوزهٔ زنان نشان می‌دهد که بخشی از تجربه‌های زیستی و مشکلات آنها در مطالعات کمی مشخص نشده و پنهان می‌ماند. تاکنون مطالعات کیفی انگشت‌شماری با هدف تمرکز بر زنان دست‌فروش مترو صورت گرفته است بنابراین شناخت انگیزه‌ها و شرایط خاص این گروه از زنان ضروری است.

۲- همچنین امروزه با توجه به تغییر الگوهای مؤثر بر سلامت، به شناخت عواملی که بر سلامت روانی این زنان تأثیر دارد کمتر توجه شده است. با شناخت این عوامل می‌توان به دنبال راه‌حلهایی برای رفع کشمکشهای ناشی از ایفای نقشهای متعدد در این زنان بود، تا با وجود محیطی آرام و بدون تنش جهت ایفای هم‌زمان نقشهای خانوادگی و شغلی، این زنان بتوانند به خانواده‌هایی با ارتباط سالم دست یابند (توسلی، ۱۳۸۲).

با توجه به مطالب ذکر شده پژوهش حاضر به این مسئله می‌پردازد که زنان دست‌فروش مترو در شرایطی که به‌ناچار دو شغل تمام‌وقت یعنی شغل بی‌مزد خانگی و شغل بیرون از خانه را بر عهده دارند در چه وضعیتی هستند؟ آیا تعدد نقش موجب فشار مضاعف، استرس، افسردگی و بیماریهای جسمی و روانی در آنان می‌شود و یا اینکه موجب، خوداتکایی، توانمندی و خودباوری در این زنان می‌شود؟ از این نظر فراهم آوردن پاسخی به پرسشهای فوق شاید بتواند دانش لازم را برای شناخت وضعیت این زنان فراهم آورد و به دانش ما نیز در حوزه مسائل خانواده‌های جدید بیافزاید.

پیشینه تجربی

ازآنجایی‌که در این میان موضوع «دست‌فروشی زنان در مترو» پدیده‌ای است نوظهور و جز ایران در سایر کشورها مشاهده نشده است، برای بیان ادبیات نظری از نزدیک‌ترین موضوع به این بحث استفاده کردیم و آن زنان سرپرست خانوار است. همچنین با توجه به زمینه تحقیقی مورد نظر در رابطه با علل گرایش به دست‌فروشی علیرغم اهمیت موضوع از لحاظ مشکلات و معضلاتی که از جهات مختلف به ساختارهای نظام شهری وارد می‌سازد تحقیقاتی که از بعد روانشناسی - جامعه‌شناسی انجام گرفته حول محور زنان سرپرست خانوار با رویکردی کمی بوده و درصدد رد یا اثبات فرضیات و نظریات حول این مباحث بوده‌اند. اما باید گفت به دلیل اینکه تجربه زیسته افراد را نمی‌توان تنها با استفاده از روش کمی و تکنیکهایی همچون پرسشنامه شناسایی کرد، ضرورتی ایجاد شد که در این تحقیق به روش کیفی روی آوریم تا با تعامل و مشاهده عمیق افراد و با توجه به کنشهای پاسخگویان و شرایط روانی آنان و بهره‌گیری از بصیرت اکتشافی روند شناخت آسان‌تر شود.

معیدفر و حمیدی (۱۳۸٦) در مقاله «ناگفته‌ها و آسیبهای اجتماعی»، به زوایای تاریک زندگی زنان سرپرست خانوار می‌پردازند. آنها در این پژوهش از ترکیب چند روش استفاده کرده‌اند. نتایج این مقاله حاکی از زندگی سخت و دشوار این زنان است. اولین و بزرگ‌ترین مسئله این زنان، مسئله اقتصادی است و از دیگر مشکلات آنان ناامنی بدنهایشان است. ازآنجایی‌که مردی سرپرستی این زنان را بر عهده ندارند بدنهای آنان برای بسیاری از مردآنجامعه به‌مثابه یک فرصت یا متاع بی‌مراقب جلوه می‌کند. ناامنی برای آنان به مشکلات دیگری هم دامن زده و روابط اجتماعی‌شان را مخدوش می‌کند. پیامد مخدوش شدن روابط اجتماعی، به هم خوردن تعادل روانی است. زنان و فرزندان آنان از میزان بیشتری اضطراب، افسردگی و دیگر ناامنیهای روانی رنج می‌برد.

سمیه آجورلو (۱۳۸۹) دلایل ورود زنان به شغلهای کاذب ازجمله دست‌فروشی را بیان کرده است و تجربهٔ زیستهٔ زنان را به تصویر کشیده است. یافته‌های تحقیق از طریق روش کیفی حاکی از آن است که عاملی سبب شده زنان به مشاغل کاذب روی بیاورند و مشاغل کاذب فقط در حیطه مردان نباشد این است که شغل دست‌فروشی انعطاف‌پذیر هست و می‌توان از این راه درآمد زیادی را کسب کرد.

شادی‌طلب و گرایی‌نژاد (۱۳۸۳) در تحقیقی به نام فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار که به سفارش سازمان بهزیستی دربارهٔ شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار انجام دادند، نشان داده‌اند که زنان فقط به خاطر زن بودن در معرض فقر قرار دارند و فقر زنان جنبه اقتصادی ندارد و جنبه‌های روانی و اجتماعی فقر زنان نیز مهم است و برای مبارزه با فقر، توانمندی و تحولات ساختاری لازم است. این طرح با استفاده از روش کمی

و کیفی در جامعه زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی اراک تدوین شده است. مجریان طرح در بخش روش‌شناسی با استفاده از روش کمی به شناخت توانمندیهای زنان سرپرست خانوار اقدام نموده و در بخش کیفی طی اجرای یک کارگاه مشارکتی که با حضور ۲۵ نفر از افراد جامعه مورد مطالعه برگزار شد به بررسی نقش گروههای همیار و توانمندسازی زنان و شناخت توانمندیهای موجود زنان پرداخته‌اند. نتایج حاصل از شناخت توانمندیهای اجتماعی نشان می‌دهد که ضرورت کار جمعی مورد تأیید ۸۵٪ زنان بوده است اما بیش از۸۲٪ زنان سرپرست خانوار در سال گذشته هیچ فعالیتی نداشتند. همچنین در زمینه توانمندی روانی مشخص شد که زنان سرپرست خانوار تمایل چندانی به نوآوری و نوپذیری ندارند و کمی بیش از ۸٪ آنها اعتقاد دارند که هرچه روی پیشانی آدم نوشته همان می‌شود. در زمینه توانمندسازی اقتصادی معلوم شد که درصد کمی از زنان سرپرست شاغل‌اند. در این پژوهش نتایج حاصل از برگزاری کارگاه آموزشی مشخص ساخت که برخلاف اینکه به‌نظر می‌رسد توانمندی زنان موجب توانمندی خانواده است توانمندی خانواده باید به توانمندی زنان مقدم باشد به این معنا که تا زمانی که به توانمندی خانواده توجه نشود نمی‌توان از توانمندی زنان سخن گفت.

پژوهش مهشید نوری (۱۳۸۲) به بررسی سلامت زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی استان تهران پرداخته و میزان سلامت روانی زنان تحت پوشش و غیر تحت پوشش را مقایسه نموده است. جامعه آماری ۱۸۰ نفر از زنان سرپرست خانوار است که ۱٤۰ نفر با روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای از زنان تحت پوشش بهزیستی انتخاب شدند و ٤۰ نفر نیز از زنان سرپرست خانوار در انتظار پوشش انتخاب شدند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که جمله زنان در معرض آسیبهای

روانی قرار دارند. و زنان در انتظار پوشش به‌طور معناداری در تمام ابعاد سلامت روانی در وضعیت به‌مراتب بدتری نسبت به زنان تحت پوشش قرار داشتند. زنان سرپرست خانواده تحت پوشش دارای علائم افسردگی، شکایت جسمی، حساسیت در روابط متقابل، افکار پارانوییدی، وسواس و پرخاشگری بودند.

ستاره فروزان و اکبر بیگلران(۱۳۸۲) در زنان سرپرست خانوار: فرصتها و چالشها به بررسی تواناییها، فرصتها و محدودیتهای دستیابی زنان سرپرست خانوار به منابع انسانی پرداخته‌اند. این طرح بر پایه یافته‌های میدانی درباره ٤٢٨ زن‌سرپرست در مراکز پنج استان کشور تدوین شده است از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش فقر شدید زنان است. شاخص فقر انسانی زنان سرپرست برابر۰/۵۲۷ است که در مقایسه با شاخص کل کشور (۰/۱۹۳) بسیار بالاتر است. این مطالعه نشان داد ۷/۲۳٪ از این زنان باسوادند و ٤/۱۱٪ تمایل به سوادآموزی دارند. همچنین تجزیه‌وتحلیل اطلاعات حاکی از عدم آشنایی آنها با حرفه خاصی است که امکان دستیابی به اشتغال مولد را برای این زنان به کم‌ترین میزان می‌رساند. بنابراین با استفاده از روش سوادآموزی حرفه‌ای می‌توان دستیابی به اشتغال برای زنان آموزش‌دیده را میسر سازد و درآمد اقتصادی آنان را افزایش داد.

چارچوب نظری تحقیق

با توجه به آنچه ارائه شد، در پژوهش حاضر تعدد نقش و سلامت روان بر اساس دو رویکرد عمده کمیابی نقش (رویکرد منفی) و انباشتگی نقش (رویکرد مثبت) مورد بررسی قرار می‌گیرد که در ذیل به‌اختصار به آن پرداخته شده است:

رویکرد اول در زمینه تعارض کار و خانواده به دیدگاه کمیابی نقش موسوم است و بر پیامدهای منفی اشتغال زنان تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه زنان

به‌طـور فطـری انجـام نقشـهای خانگـی و به‌ویـژه تربیـت فرزنـد را بـه عهـده دارنـد. پـدر خانـواده بـا داشـتن شـغل و درآمـد رهبـر اصلـی خانـواده محسـوب می‌شـود و اگـر زن مسـئولیت نـان‌آوری را بـه عهـده بگیـرد خطـر رقابـت بـا شـوهر به‌میـان می‌آیـد کـه بـرای وحـدت و هماهنگـی خانـواده زیـان‌آور اسـت. عـلاوه بـر ایـن برخـی از صاحبنظـران ایـن دیـدگاه نیـز معتقدنـد کـه در شـرایط کنونـی کـه هنوز تقسـیم کار جنسـیتی در خانـه و جامعـه وجـود دارد و بیشـتر کارهـای خانگـی را زنـان انجـام می‌دهنـد چنانچـه زنـان بـه اشـتغال در بیـرون از خانـه نیـز بپردازنـد تعـدد نقشـها و مضاعـف شـدن وظایـف زنـان و خسـتگی مفـرط ناشـی از آن منجـر بـه ضعـف یـا از بیـن رفتـن سـلامت روانـی و جسـمانی آنـان می‌شـود و درنهایـت فـرد نمی‌توانـد تقاضاهـای نقشـهای متفـاوت را بـرآورده سـازد. در چارچـوب ایـن رویکـرد می‌تـوان از نظریه‌هـای کمیابـی، تکثـر نقـش، تقـارب، تعـارض نقـش و فشـار نقـش نـام بـرد (احمدنیـا، ۱۳۸۳).

نظریـه کمیابـی[1]: در ایـن نظریـه کـه توسـط بارنـت[2] (۱۹۹۳) ارائه‌شـده، فـرض بـر ایـن اسـت کـه هـر فـردی میـزان انـرژی ثابتـی دارد و هـر نقشـی از ایـن مخـزن انـرژی در خواسـتهایی دارد بنابرایـن هـر قـدر تعـداد نقشـها بیشـتر باشـد فشـار نقـش بیشـتر اسـت و پیامدهـای منفـی بـرای سـلامت بیشـتر خواهـد بـود. هم‌نـوا بـا ایـن نظریـه کـه تکثـر نقشـها را موجـب اسـترس و فشـار بیشـتر بـر زنـان می‌دانـد فـرض می‌شـود کـه ایفـای چنـد نقـش عمـده به‌طـور هم‌زمـان موجـب زایـل شـدن انـرژی محـدود فـرد می‌شـود درنتیجـه فـرد را بـا کمبـود انـرژی و ضعـف و ناتوانـی روبـرو می‌کنـد.

نظریـه تکثـر نقـش[3]: بنابرایـن نظریـه ازآنجاکـه در تقسـیم سـنتی امـور خانـه و

1. scaricity theory
2. Barnet
3. multiple theory

خانـواده حتـی در جوامـع صنعتـی مسـئولیت اولیـه کارهـای خانگـی و نیـز نگهـداری از فرزنـدان، علیرغـم انتقـال کار زن بـه بیـرون از خانـه، بـه عهـده مـادر اسـت. چنیـن امـری می‌توانـد زمینـه بـرای پدیـده تضـاد نقـش و بـار اضافـی نقـش را فراهـم نمایـد و پیامدهایـی نظیـر کاهـش سـلامت را در برداشـته باشـد. بنابرایـن فـرض چنیـن شـرایطی موجـب خسـتگی شـدید و فرسـودگی و درنهایـت بیمـاری زنـان می‌گـردد و مرگ‌ومیـر زنـان را در مقایسـه بـا مـردان افزایـش می‌دهـد. بالاتـر بـودن نـرخ بیماریهـای جسـمانی نـزد زنـان در جوامـع غربـی از نظـر برخـی صاحبنظـران ایـن دیـدگاه بـه بالاتـر بـودن میـزان فشـارهای ناشـی از نقشـهای متعـدد زنـان در جوامـع امـروزی نسـبت داده شـده اسـت (احمدنیـا، ۱۳۸۳).

گـود[1] نیـز بـا طـرح نظریـه فشـار نقـش اسـتدلال می‌کنـد کـه تعهـدات کل نقشـهای فـرد پـر خواسـته اسـت بنابرایـن فشـار نقـش یـا دشـواری در بـرآورده کـردن خواسـته‌های نقـش عـادی اسـت. به‌این‌ترتیـب مشـکل اشـخاص ایـن اسـت کـه انـرژی و مهـارت خـود را چگونـه تقسـیم کننـد تـا فشـار نقـش را بـه مقادیـر قابـل تحملـی تقلیـل دهنـد. بـه نظـر گـود ایـن همـان مشـکلی اسـت کـه فـرد در زندگـی اقتصـادی بـا آن روبروسـت. فـرد منابـع محـدود بـرای تقسـیم در میـان مقاصـد جایگزیـن دارد و او ایـن مشـکل را بـا پرهیـز از برخـی نقشـهای خـاص و بـا ایجـاد مجموعـه‌ای از معامـلات نقـش حـل می‌کنـد.

رویکـرد دوم (رویکـرد مثبـت) در زمینـه تعـارض کار و خانـواده بـه انباشـتگی نقشـها موسـوم اسـت. بنـا بـر نظریـه اعتـلای نقـش[2] کـه توسـط بارتلـی[3] (۱۹۹۲) مطـرح شـد چـه در مـورد زنـان و چـه در مـورد مـردان مشـارکت فـرد در فعالیتهـای ارزشـمند

1. William Good
2. role enhancement theory
3. Bartley

اجتماعی موجبات ارتقای وضع سلامت فرد را فراهم می‌آورد. ازآنجاکه ازدواج (ایفای نقش همسری)، مادر یا پدر بودن (نقش والدین) و اشتغال به کار (نقش شغلی) هر دو از ارزشمندی و مزیت اجتماعی بالایی برخوردارند هرچه فرد بیشتر این نقشها را به عهده گیرد از سلامت بیشتری برخوردار است (احمدنیا، ۱۳۸۰).

در نظریه بسط نقش[1]، سودمندی تکثر نقشها را با امتیازاتی چون ارتقای عزت نفس، کسب وجهه، منزلت، پاداشها و درآمد ناشی از اشتغال مورد تأکید قرار می‌دهد. فولر و همکارانش معتقدند زنان با اشتغال می‌توانند از یکنواختی و پایگاه اجتماعی نسبتاً پایین‌تر خانه‌دار بودن رهایی یابند. از این گذشته اشتغال معمولاً از نظر عاطفی با ایجاد تأمین مالی و اجتماعی، خشنودی و رضایت خاطر ایجاد می‌کند (احمدنیا، ۱۳۸۰).

نظریه تجمع نقش[2] که توسط زیبر[3] مطرح شد بر منافع حاصل از نقشها تأکید می‌ورزد که عبارت‌اند از: مزیت یا امتیازات مرتبط با هر نقش، امنیت یا پایگاه حاصله و درمجموع فراهم آوردن امکاناتی در جهت بهبود پایگاه اجتماعی و بالاخره غنای شخصیت و رضایت خاطر که فرد از آنها بهره‌مند می‌شود. به‌بیان‌دیگر این رویکرد بر این اعتقاد است که افراد قادرند زمان و انرژی لازم را برای به عهده گرفتن رفتارهای نقش که به آنها متعهد می‌شوند تولید کنند. بنابراین اشخاصی که هم نقش کاری و هم نقش خانوادگی را اشغال می‌کنند وقت و انرژی کافی برای به عهده گرفتن فعالیتهای مرتبط با هر نقش به دست می‌آورند (اریه[4]، ۱۹۹۶). موضوع مهم دیگر که این رویکرد بر آن تأکید دارد آن است که تعدد نقشها به‌طور مطلق و ثابت نمی‌تواند زیان‌آور یا سودمند باشد،

1. role expansion theory
2. role accumulation
3. Aryee samul
4. Seeber

بلکـه فشـارزایی یـا خشـنودکنندگی نقشـهای چندگانـه بسـته بـه عوامـل و شـرایطی نظیـر کیفیـت و تقاضاهـای نقـش متفـاوت خواهـد بـود.

روش

در ایـن تحقیـق در جمـع‌آوری داده‌هـا عـلاوه بـر مشـاهده مشـارکتی از مصاحبـه نیمـه سـاخت‌یافته هـم اسـتفاده شـده اسـت. محقـق سـعی کـرده اسـت کـه در میـدان به‌طـور مسـتقیم حضـور یابـد و مشـاهده مشـارکتی داشـته باشـد و بـرای ایـن امـر محقـق تمامـی خطـوط متـرو، شـامل خطـوط ۱، ۲ و ٤ را انتخـاب کـرده اسـت. مشـاهده نحـوه دست‌فروشـی، تعامـلات اجتماعـی آنـان، برخـورد دست‌فروشـان بـا یکدیگـر، گفت‌وگوهـای مـردم پیرامـون دست‌فروشـی و نحـوه برخـورد مأموریـن نیـروی انتظامـی بـا دست‌فروشـان، موضـوع بررسـی ایـن سـطح از مطالعـه بـود کـه مشـاهده هـر یـک نکاتـی دربرداشـت کـه تمامـی آنهـا ثبـت و ضبـط و به‌عنـوان سـند تحلیـل در ثبـت نتایـج اسـتفاده شـده‌اند.

اسـتفاده از روش‌هـای مشـاهده‌ای زمانـی مفیدنـد کـه محقـق بتوانـد همـه پدیده‌هـا را در محـل مـورد مشـاهده قـرار دهـد، لـذا همیشـه نمی‌تـوان بـه ایـن روشـها تمسـک جسـت. بنابرایـن در اکثـر مـوارد پژوهشـگر ناچـار اسـت از مصاحبـه بهره جویـد. مصاحبه نیمـه سـاخت‌یافته ایـن امـکان را فراهـم کـرد کـه محقـق فهرسـتی از پرسشـها یـا صرفـاً موضوعهـای اصلـی پژوهـش مـورد نظـر را تهیـه کنـد کـه ایـن فهرسـت، برگـه راهنمـای مصاحبـه خوانـده می‌شـود. ایـن برگـه در قالـب راهنمـای مصاحبـه ایـن امـکان را فراهـم می‌کنـد کـه بتوانیـم در چارچوبـی نسـبتاً روشـن و مشـخص سـؤالات و محورهـای مـورد نظـر پژوهـش را تنظیـم کنیـم. در ایـن نـوع از مصاحبـه می‌تـوان بـا توجـه بـه پاسـخهای اطلاع‌رسـانان، پرسشـهای دیگـری نیـز مطـرح کـرد و یـا بـه تفحـص بیشـتر در

پاسخهای مصاحبه‌شوندگان پرداخت. مصاحبه‌شونده در پاسخ‌گویی به موضوعها و پرسشهای باز از آزادی و اختیار کافی برخوردار است. مصاحبه در این تحقیق به دو روش ثبت شده است، ابتدا در خود میدان تحقیق مصاحبه‌ها ضبط شدند و سپس بلافاصله بعد از مصاحبه نکات یادداشت شده اصلاح و تدوین شدند. در زمینه انتخاب محیط مصاحبه نیز باید ذکر کرد که «محیط تحقیق کیفی عرصه واقعی است یعنی محلی که افراد موردنظر زندگی می‌کنند و تجربیات آنها در آن روی می‌دهد» (ادیب حاج باقری و همکاران، ١٣٨٦). بدین ترتیب در همان محیط تحقیق یعنی سکوهای انتظار و واگنهای قطار در هر ایستگاه به‌عنوان مکانی برای مصاحبه با دست‌فروشان مترو استفاده شده است.

جامعه مورد مطالعه و شیوه نمونه‌گیری

در این تحقیق جامعه مورد مطالعه مترو تهران است، یعنی زیرزمینهایی که در آن قطار مترو مسیرهای مشخصی را طی می‌کند. زیرزمینهای مترو واگنهای قطار مترو و تمامی خطوط و مسیری که متروی پایتخت از آن عبور می‌کند میدان تحقیق است؛ خط شماره ١ (امتداد از تجریش تا حرم مطهر) خط شماره ٢ (امتداد صادقیه (تهران) تا فرهنگسرا) و خط شماره ٤ (امتداد شهید کلاهدوز تا شهرک اکباتان). جامعه آماری تحقیق، شامل زنانی بود که در مترو دست‌فروشی می‌کنند اما این شرط کافی برای مشارکت افراد در تحقیق نبود. ملاک دیگر این بود که این زنان سرپرست خانواده نیز باشند. ازآنجاکه مصاحبه با ٢٨ نفر از این زنان دست‌فروش زیاد نیست بنابراین انتخاب نمونه‌ها با سن و تحصیلات مختلف صورت گرفت که این امر سطح تعمیم‌پذیری را گسترش می‌دهد. مدت‌زمان مصاحبه بین ٢٠ تا ٣٠ دقیقه متغیر بود. در این تحقیق،

با توجه به موضوع مورد مطالعه، نمونه‌گیری گلوله‌برفی بوده استفاده شد که یکی از راهبردهای نمونه‌گیری غیر تصادفی است. نمونه‌گیری گلوله برفی که در پاره‌ای موارد نمونه‌گیری اسمی گفته می‌شود، گاهی بهترین راه برای قرار دادن موضوعاتی با ویژگیها و خصوصیات لازم در یک مطالعه است و در میان پژوهشگران بسیار موردتوجه است. محققان از این روش نمونه‌گیری در مطالعاتی استفاده می‌کنند که نتوانند شرکت‌کنندگان مفیدی را شناسایی کنند یا اطلاع‌دهندگان به‌راحتی در دسترس نباشند یا خواهان گمنام ماندن باشند (سفیری، ۱۳۸۷). در نمونه‌گیری گلوله برفی پس از انتخاب افرادی با ویژگیهای خاص، با آنها مصاحبه سپس نام افرادی را که همان خصوصیات را دارند، از آنها پرسیده می‌شود. در این تحقیق نیز برای دسترسی به جمعیت مورد مطالعه، بدین‌صورت عمل شده است. بدین معنی که ابتدا از طریق آشنایی با یکی از خانمهای فروشنده که سرپرست خانوار نیز بود صحبت کرده سپس از طریق ایشان مورد دوم و بدین ترتیب این روند تا انتها ادامه پیدا کرد. همچنین در بعضی موارد در حین مصاحبه با یکی از این زنان، بعضی از همکاران آنها خود، برای انجام مصاحبه داوطلبانه نزد محقق می‌رفتند.

یافته‌ها

با انجام مصاحبه با ۲۸ زن سرپرست خانواری که برای گذران زندگی در مترو به فروشندگی می‌پردازند و دارای نقش مادری و نان‌آوری در خانواده بودند، مشخص شد که نمی‌توان تنها یک عامل را دلیل اقدام به دست‌فروشی در مترو عنوان کرد، بلکه مجموعه‌ای از شرایط و عوامل و هم‌زمانی آنها با هم، این زنان را به دست‌فروشی در مترو ترغیب کرده است. پرسشهای مصاحبه در چند بخش

شامل مشخصات زمینه‌ای، پرسشهایی در مورد نقش اقتصادی زنان (شامل دلایل دست‌فروشی در مترو، محیط و شرایط کاری در مترو، مشکلات کاری)، نقش خانه‌داری این زنان (شامل تنظیم وقت بین کار خانه و بیرون، همکاری اعضای خانواده، تصور آنان از کار خانگی)، نقش مادری (شامل نوع رابطه با فرزندان، رضایت فرزندان از کار مادر، توجه به نیازهای فرزندان) و همچنین پرسشهایی راجع به پیامدهای روانی و جسمانی تعدد نقش پرسیده شد.

توصیف نمونه

سن	تحصیلات	تعداد فرزند	وضعیت همسر	مالکیت محل سکونت	تحت پوشش بهزیستی، کمیته امداد
همه بیش از سی سال غیر از یک نفر	ده نفر دیپلم، دو نفر سیکل و بقیه تحصیلات سطح ابتدایی	همه دارای فرزند شش نفر از آنان ۵فرزند، پنج نفر٤فرزند، نه نفر ۲ فرزند، هشت نفر ۱ فرزند	هفت نفر بیکار چهار نفر طلاق گرفته، سه نفر فوت همسر بقیه بیمار و از کارافتاده	چهار نفر مالک خانه بقیه خانه استیجاری	دو نفر تحت پوشش کمیته امداد، بقیه هیچ‌کدام

با انجام مصاحبه از ۲۸ زن سرپرست خانوار به بررسی نقشهایی که این زنان با آن درگیرند پرداخته شده است. دلایلی که این زنان را به دست‌فروشی وامی‌دارد متنوع‌اند بااین‌حال می‌توان این دلایل را تحت عنوان دلایل اقدام به دست‌فروشی در مترو موردتوجه قرار دهیم. نکتهٔ مهم در یافته‌ها، به این مسئله اشاره دارد که به‌ندرت یک دلیل از چنان اهمیت و قدرتی برخوردار است که موجب اقدام به دست‌فروشی در مترو شود. به عبارتی به‌جز یک دلیل، یعنی مشکل مالی که به آن بیشتر بر خواهیم خورد هیچ‌کدام از پاسخ‌گویان ما فقط یک عامل را به‌تنهایی به‌عنوان دلیل اقدام به دست‌فروشی مطرح نکرده‌اند. مجموعه‌ای از شرایط و عوامل و هم‌زمانی آنها با هم، این زنان را تشویق به دست‌فروشی در مترو می‌کند.

۱-۱-دست‌فروشی در مترو و دلایل اقدام آن

۱-۱-۱-مسائل و مشکلات اقتصادی

طبق نظریه زنانه شدن فقر یا آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار، خانواده‌های زن‌سرپرست نه‌تنها در همهٔ کشورهای جهان گسترش یافته‌اند؛ بلکه روزبه‌روز بر تعداد خانوارهای زن‌سرپرستی که در جمعیت کم‌درآمد قرار می‌گیرند، افزوده می‌شود. این وضعیت در بین کشورهای پیشرفته نیز به چشم می‌خورد و به‌رغم کمکهای دولتی، فرایند فقیر شدن آنان هم چنان ادامه دارد. از سایر مشخصات خانواده‌های زن‌سرپرست عدم دسترسی این گروه از زنان به مشاغل با منزلت است. این زنان یا اغلب بیکارند یا دارای مشاغل حاشیه‌ای، نیمه‌وقت، غیررسمی و کم‌درآمد هستند. در اغلب مصاحبه‌های انجام‌شده، عمده‌ترین دلیل مطرح‌شده برای اقدام به دست‌فروشی از جانب پاسخگویان را می‌توان مشکل اقتصادی این زنان دانست. این زنان با سرپرست شدن در وضع و موقعیت جدیدی قرار می‌گیرند که معمولاً با مسائل مادی و معنوی متعددی همراه است. در صورت عدم حضور شوهر در خانه، بیماری و یا بیکاری شوهر، عهده‌دار مسئولیتهایی می‌شوند که از قبل آن را پیش‌بینی نکرده‌اند.

زنی ۲۷ ساله که شوهرش بیکار است می‌گوید: «شوهرم که کار نداره، شرایطم سخته اگه من نمی‌اومدم اینجا حتی شام شب هم نداشتیم تا الآن از گشنگی مرده بودیم». زنی ۳۱ ساله که شوهرش تصادف کرده و بیکار است می‌گوید: « باید بیام اینجا کار کنم اگه نیام چه‌جوری خرج زندگیمو، خرج دخترمو دربیارم نمی‌خوام دستم جلوی کسی دراز باشه».

۲-۱-۱-۱-کرایه مسکن

جوامع انسانی به‌ویژه در عصر کنونی سرشار از استرسهای گوناگون است مسکن مناسب می‌تواند محلی برای تجدید قوا، آرامش اعصاب و فکر باشد و خستگیهای روحی و جسمی ناشی از کار روزانه را از وی دور و از جنبه روانی آماده فعالیت کند. فقدان مسکن مناسب عامل مؤثر پیدایش افسردگی و کاهش مقاومت فرد در برابر مشکلات است (خانی، ۱۳۸۵). از مشکلات عمدهٔ خانوادههای زن‌سرپرست نداشتن مسکن شخصی و پرداختن اجاره مسکن است که نیمی از درآمد ناچیز خود را صرف آن می‌کنند. از سوی دیگر بسیاری از آنان در خانه‌های کوچک و فاقد تسهیلات کافی به سر می‌برند.

خانمی ۲۹ ساله که شوهرش معتاد و بیکار است می‌گوید: «من از صبح می‌آم اینجا تا ٦ و ۷ بعدازظهر درآمدش بد نیست من می‌تونم خرج کرایه خونه رو در بیارم بعضی اوقات هم یه پولی پس‌انداز می‌کنم بتونم پول پیش خونه رو اضافه کنم». خانمی ٤۱ ساله که از شوهرش به علت اعتیاد به مدت ۸ ساله جدا شده می‌گوید: « به سختی خرج و دخل در می‌آرم برای همین همیشه به فکر اینم که پول کرایه خونه رو از کجا بیارم. چون اجاره خونه بیشترین مشکل منه. تمام فکر و ذهنم اینه چطوری پول اجاره رو در بیارم. از نظر مالی خیلی مشکل دارم».

۳-۱-۱-۱-خرج تحصیل فرزندان

در جامعه‌شناسی، خانواده مهم‌ترین مکان آمادگی ورود به زندگی اجتماعی کودک شناخته می‌شود. بنابراین بر اساس دیدگاه اجتماعی تربیت کودک «کودک عمدتاً محصول نوع و کیفیت تربیت یا پرورش است و به همین دلیل باید

جنبه‌های گوناگون پرورش و تربیت فرزندان در خانواده موردتوجه قرار گیرد (برناردز، ۱۳۸۰). با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده، توجه بیشتر به مسائل آموزشی و تربیتی فرزند ازجمله مواردی است که می‌تواند با مسائل مالی در ارتباط باشد. هزینه تحصیل فرزندانی که در دانشگاه یا مدرسه تحصیل می‌کنند ازجمله دلایلی است که باعث شده که این زنان به دست‌فروشی در مترو بپردازند.

خانمی ٤١ ساله که از شوهرش به علت اعتیاد به مدت ۸ سال است طلاق گرفته می‌گوید: «پسرم الآن دانشجوی عمرانِ، همه کار براش می‌کنم شهریه دانشگاهش رو می‌پردازم چون نمی‌خوام معتاد بشه از بین بره و نابود بشه. همش به فکر اینم که پول شهریه دانشگاه پسرم رو بتونم بدم. وای خدایا شهریه دانشگاه، ترمه جدید شهریه می‌خواد». خانمی ٤٦ ساله که شوهرش به علت ورشکستگی افسردگی گرفته می‌گوید: «پسرم دانشجوی دانشگاه آزادِ، باید شهریشو بدم خرجمون زیاده دیگه».

٤-١-١-١- وام و بدهکاری

افزایش درآمد خانواده به دلیل اشتغال زن، امکان آن را فراهم می‌کند تا بعضی از نیازهای ضروری مثل لباس، کرایه مسکن و پزشک برآورده شود. این امر در خانواده‌های کم‌درآمد که شوهر توانایی مالی چندانی ندارد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. همچنین کار این زنان به‌نوعی ثبات در آینده می‌انجامد، و همانند بیمه، علیه خطر کاهش یا قطع درآمد شوهر بکار می‌رود.

خانمی ٤٣ ساله که شوهرش به علت ناراحتی قلبی ازکارافتاده است می‌گوید: «این روبالشیها رو پسر عموم از جنوب می‌آره من جنسامو نسیه ازش

می‌خرم، بعضی وقتها هم از برادرم برای خرید جنس پول قرض می‌گیرم، ماه پیش ۳۰ تومن از شهرستان برام فرستاد باید بهش پس بدم». خانمی ٤٢ ساله که شوهرش ازکارافتاده است می‌گوید: «دخترم دم بخته خواستگار داره می‌خواد ازدواج کنه رفتم وام گرفتم تا براش جهاز بخرم باید بیام اینجا تا خرج جهازشو بدم دوست ندارم فردا سرکوفتش بزنن»

۲-۱-۱- مسائل و مشکلات فردی (سرمایه انسانی)

زنان سرپرست خانوار که با فوت همسر و یا مطلقه شدن، ناچارند به‌تنهایی خانواده را اداره کنند و اغلب قبل از بیوگی یا طلاق، سابقه حضور در بازار کار را نداشته‌اند و از نظر مالی وابسته به شوهران خود بوده‌اند؛ با از دست دادن همسر به دلیل نداشتن مهارت و تجربه کافی یا نداشتن تحصیلات، به مشاغل رده پایین با دست مزد کم و بدون بیمه می‌پردازند (خانی، ۱۳۸۵).

علاوه بر مسائل مالی از دلایلی که موجب رو آوردن این زنان به مشاغل رده پایین می‌شود (دست‌فروشی در مترو و امثال آن) مسائل فردی مانند نداشتن مهارت شغلی و حرفه‌ای و تحصیلات پایین است که حق انتخاب شغل برای آنان را محدود می‌کند اما بااین‌حال این زنان، دست‌فروشی در مترو را به سایر کارهایی که توان انجام آن را دارند (نظافتچی منازل یا ادارات، نگهداری از سالمند) ترجیح می‌دهند. دست‌فروشان احساس رئیس بودن می‌کنند و صاحب‌کار ندارند و خودشان برای خودشان کار می‌کنند چون‌که توانسته‌اند با سرمایه بسیار کم وارد این شغل شوند و درعین‌حال روزانه درآمد بالایی داشته باشند. دست‌فروشان ازاین‌جهت بسیار رضایت دارند که روزمزد هستند و پول هرروزه در جیبشان هست. درآمد روزانه آنها هم طبق گفته خودشان بین ۳۰-٤۰

هزار تومان است. از نظر آنها برای استخدام شدن در انواع شرکتهای خصوصی یا دولتی و ادارات افراد باید تخصص، مهارت و کارایی لازم را داشته باشند اما دست‌فروشی در مترو نیاز به تخصص، مهارت، تحصیلات بالا و سابقه کار قبلی ندارد و افراد با هر ویژگی‌ای که دارند می‌توانند به این شغل وارد شوند. همچنین بسیاری از زنان دست‌فروش اذعان می‌کنند که محیط مترو زنانه هست و ما به‌راحتی می‌توانیم کار کنیم و از نگاههای مربوط یا نامربوط مردان درامان هستیم.

خانمی ۴۲ ساله که شوهرش بیماری قلبی می‌گوید: «وقتی سواد درست‌وحسابی ندارم جایی که من رو قبول نمی‌کنه، خدا مترو رو از ما نگیره». خانمی ۵۱ ساله که شوهرش تصادف کرده و در خانه بیکار است می‌گوید: «سواد که ندارم الآن هر جایی میری می‌گن کامپیوتر بلدی، زبان بلدی، مجبورم برم یه جا مستخدم بشم که اونم توانشو ندارم».

گیدنز[1] معتقد است که در روابط موجود در نظام اجتماعی، کسانی که در ظاهر «بی‌قدرت‌ترین» افراد هستند، قادرند منابع خاصی را بسیج کنند، تا به‌وسیله آنها بتوانند در زندگی روزانه خود «فضایی برای کنترل» و انجام فعالیتهای قدرت‌مندانه پدید آورند. در خصوص عاملیت غیرمستقیم زنان نیز می‌توان اشاره‌ای به اهمیت «کنش متقابل رودررو» در تعبیر گیدنز داشت. به اعتقاد گیدنز، انسان با تعامل و از طریق کنش متقابل اجتماعی است که تعریف می‌شود. او کنش‌گران را فاقد برنامه و هدف نمی‌داند؛ بااین‌حال معتقد است که آنها به‌دلیل نیاز به تبعیت از قواعد و قضاوت جمع، خود به‌تنهایی قادر به آفرینش معنا نیستند (گیدنز، ۱۳۸۳).

1. Giddens

۲-۱-محیط و شرایط کاری زنان دست‌فروش مترو

۱-۲-۱- حضور مأمورین مترو

از دلایل عمده که موجب ترس و نگرانی و استرس این زنان در محیط کاری می‌شود برخورد غیراصولی و توهین‌آمیز مأمورانی است که موجب جریحه‌دار شدن غرور این زنان و از دست دادن اجناس‌شان می‌شود. این زنان نگران بازپس‌گیری اجناس‌شان در میان انبوهی از کالاهایی هستند که در انبارهای بزرگ توقیف شده است. بیشتر این زنان ابتدا که به کار دست‌فروشی می‌پرداختند، کالا و اجناس زیادی را با خود به مترو برای فروش می‌آورند و از این بابت هیچ مشکل یا نگرانی نداشتند اما از زمانی که اجناس آنها توسط مأمورین گرفته می‌شود، سعی می‌کنند کالاهایی که حجم کمتری دارند و آسان‌تر می‌توان آنها را پنهان کرد با خود حمل کنند و برای فروش در مترو بیاورند. یعنی کیسه‌های بزرگ کالا به کیف‌های دستی و کوله‌پشتی و کیسه‌های کوچک تبدیل شده است. بنابراین دیگر، تعداد کمی از آنان همچنان کالاهایی که حجم زیاد دارند را با خود در واگنهای قطار مترو جابه‌جا می‌کنند و به فروش می‌رسانند. اقدامات مأمورین سبب شده است که زنان دست‌فروش محتاط‌تر شوند و با آزادی کمتر و دلهره بیشتر به دست‌فروشی در مترو بپردازند. آنها برای استتار چهره خود و نیز کالاهای خود بیشتر مواقع پوشش چادر را انتخاب کرده‌اند، حجم کالاهای خود را کم کرده‌اند و دست‌فروشی را هنگام توقف قطار در ایستگاهها متوقف می‌کنند. عملکرد مأمورین، اتحاد بیشتر را برای دست‌فروشان به ارمغان آورده است. دست‌فروشانی که جدید وارد واگنهای قطار می‌شوند به دست‌فروشانی که از قبل وارد واگنهای قطار بودند از حضور مأمورین خبر می‌دهند.

خانمی ٤١ ساله که به علت اعتیاد طلاق گرفته می‌گوید: «این مأمورها غرورم رو له می‌کنن، منم واسه خودم شخصیت دارم چرا باید به ما توهین کنن من هم مجبورم باهاشون دهن به دهن بذارم چرا به ما گیر می‌دن برن به اونایی گیر بدن که توی کوچه‌ها کراک و حشیش می‌کشن به خدا خودم دیدم همین کوچه پشتی ما همیشه سه چهار تا از این لات و لوتا هستن که مدام مواد می‌کشن». خانمی ٤٠ ساله که شوهرش بیکار است می‌گوید: «هول و هراس دارم که این مأمورا جنسامو بگیرن همه رو می‌برن تو یه انبار بزرگ که پر از جنسهای گرفته شدست دیگه نمی‌تونیم پیدا کنیم».

۲-۲-۱-گمنامی در محیط کار

یکی از مواردی که در محیط کاری بر نگرانی و ناراحتی این زنان می‌افزاید دیدن اقوام و آشنایان در محیط کاری است. نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است، این است که تعدادی از این زنان از شهرستان به تهران آمده‌اند و آشنا و فامیلی ندارند، بنابراین به قول خودشان خیالشان از این بابت راحت است.

خانمی ٤٦ ساله که شوهرش افسردگی دارد می‌گوید: «هیچ کدوم از اقوامم خبر ندارن که من اینجام، جز خواهر شوهرم که تو کارم کمک می‌کنه، برای اینکه کسی منو نشناسه این ماسکو زدم». خانمی ۵۷ ساله ۲۸ ساله از شوهرش به علت لاابالی‌گری طلاق گرفته می‌گوید: «خیلی خجالت می‌کشم. یه بار یکی از فامیل منو دید بهش التماس کردم که به کسی نگه احساس کردم یه پارچ آب جوش ریختن رو سرم، احساس خالی شدن کردم».

۳-۲-۱-ارتباط و نحوه برخورد مسافرین

بسیاری از دست‌فروشان، نحوه برخورد مردم در مترو را موجب افزایش عزت نفس و قوت قلب خود می‌دانستند و به‌ندرت رفتارهای مسافران را تحقیرآمیز و ناشایست ذکر می‌کردند. بیشتر مسافران با حضور دست‌فروشان در مترو موافق هستند چرا که در وقت آنان صرفه‌جویی می‌شود و می‌توانند برخی از وسایل مورد نیازشان را تأمین کنند و برخی دیگر حضور دست‌فروشان در مترو برایشان لذت‌بخش است و معتقدند که این کار باعث سرگرم شدن آنها در طول مسیر می‌شود. نکته مهم و اساسی خرید مسافران از دست‌فروشان است که نشان‌دهنده استقبال مسافران از اجناس دست‌فروشان است. برخی از مسافران از دست‌فروشان خرید می‌کنند به‌علت اینکه تنوع بالایی در میان کالاهای دست‌فروشان وجود دارد. گرچه اقلیتی نیز از وجود این امر ناراضی هستند و به نظرشان این قضیه مشکل‌ساز است و آرامشی را که می‌خواهند داشته باشند تا به مقصد خود برسند، دست‌فروشان از آنان سلب می‌کنند. خانم ۲۷ ساله‌ای که خرج پدر و مادرش را می‌دهد می‌گوید: «اکثر مسافران خوبند شاید از صد نفر پنج‌تاشون بدرفتاری کنن یه بار یه خانمی دستم رو گرفت و گفت به این دستا باید بوسه زد، ولی خوب بعضی اوقات هم بعضی مسافرا بهم توهین کردند، بعضیهاشون خیلی سوسولند خانم از اینجا رد نشو خانم اینجا شلوغه شما هم وقت گیر آوردی، بعضی اوقات از نگاههای مردم احساس حقارت می‌کنم»

٤-۲-۱- استراحت دست‌فروشان در مترو

برخی از زنان دست‌فروش در مترو زمانی که خسته می‌شوند همانند دیگر مسافران روی صندلی‌های واگن قطار می‌نشینند و در ضمن اینکه قطار

مسیرها را طی می‌کند آنان چرت کوتاهی می‌زنند و کمی استراحت می‌کنند. البته دست‌فروشانی که می‌خواهند استراحت کنند سعی می‌کنند که ساعات استراحت خود را با ساعاتی که واگنهای قطار خلوت است تنظیم کنند و زمانی هم که جمعیت در واگنها زیاد شود فروش اجناس خود را آغاز می‌کنند.

در ساعات ظهر دست‌فروشانی که طی سالیان متوالی با همدیگر همکاری داشتند و اکنون نیز رابطه دوستی دارند، با یکدیگر به قهوه‌خانه یا دیزی‌سراهایی که در بیرون از مترو قرار دارند، می‌روند و ساعاتی را به‌صورت گروهی با یکدیگر به استراحت و گفت‌وگو می‌پردازند ۱-۲ ساعت را صرف خوردن نهار و چای می‌کنند و پس از آن به‌صورت گروهی به مترو بازمی‌گردند و دست‌فروشی را آغاز می‌کنند.

با توجه به تعاریف ارائه‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان، می‌توان دسته‌بندی جدیدی از تعاریف ارائه داد که از دید این زنان در طول دورانی که در مترو مشغول به کار هستند جزو مزایای این کار قلمداد می‌شود. آزادی عمل، انعطاف‌پذیری و احساس امنیت کاری به لحاظ دوری از یک محیط مردانه در میان زنان ازجمله نقاط قوتی است که باعث ادامه شغل دست‌فروشی برای این زنان شده است و تا حدودی از فشار و استرس وارده بر آنها می‌کاهد.

خانمی ۳۴ ساله که از شوهرش به علت اعتیاد جداشده است می‌گوید: « قبلاً تو یه داروخانه کار می‌کردم، یه مدت هم منشی مطب بودم تا میفهمن که شوهر نداری یه جور دیگه بهت نگاه می‌کنن، اما اینجا محیط زنونه ست و با مردا سرو کار نداری». خانمی ۴۳ ساله که از شوهرش به علت پسردار نشدنش جدا شده می‌گوید: «من نمی‌خوام توی محیط مردونه کار کنم یه مدت که کار می‌کنی میگن صیغه می‌شی، چرا شوهرت نیست چرا بهت سر نمی‌زنه، اذیت می‌کنن ولی مترو رو دوست دارم».

در ادامه به دیگر نقشهای این زنان (نقش خانه‌داری و نقش مادری) و چگونگی ایجاد تعادل آنان میان کار خانه و بیرون می‌پردازیم. و همچنین به مسائل روحی و جسمانی آنان می‌پردازیم.

۲-نقش خانه‌داری زنان سرپرست خانوار

به اعتقاد نظریه‌پردازان کنش، اگرچه خانواده‌های زن‌سرپرست مشکلات زیادی دارند (تحصیلات، عدم مهارت، تبعیض در بازار کار، چند نقشی بودن) ولی این مسئله به این معنا نیست که ایشان مطلقاً از این شرایط تأثیر می‌گیرند و نمی‌توانند بر مشکلات خود فائق آیند. به‌عبارت‌دیگر نمی‌توان این گروه از زنان را کاملاً قربانی و منفعل در برابر شرایط دانست، بلکه باید باتجربه‌های شخصی این زنان راههای مقابله با شرایط حاکم بر زندگی آنان را از نزدیک شناخت. به عبارتی اطلاق الفاظ آسیب‌پذیری به این گروه حداقل به‌طور مطلق و فراگیر درست نیست، زیرا به‌این‌ترتیب واکنش فردی و جمعی آنان نسبت به تغییر و بهبود شرایط زندگی‌شان نادیده گرفته می‌شود. داده‌های پژوهش حاضر راهبردهایی که این زنان با توجه به نقشهای چندگانه و مسئولیتهای بسیار برحسب وضعیت خانوادگی و تجربه شخصی پیش می‌گیرند این مطلب را به ذهن متبادر می‌سازد.

خانمی ۳٦ ساله که شوهرش اعتیاد دارد می‌گوید: « من برای اینکه نگران غذای بچه‌هام نباشم همیشه شب که شام درست می‌کنم برای اونا نگه می‌دارم بالاخره کار خونه وظیفمه، بخوایم نخوایم باید انجام بدیم هر وقت بتونم خسته نباشم خونه رو جمع و جور می‌کنم». خانمی ٤١ ساله که از شوهرش جدا شده است می‌گوید: «همه کارهای خونه رو انجام می‌دم شست و شو، غذا پختن،

هفته‌ای یکی دوبار هم تا می‌رسم خونه، جارو رو می‌زنم به برق و شروع می‌کنم به تمیز کردن، کارهای خونه تمومی نداره».

۲-۲-تنظیم وقت بین کار خانه و کار در مترو

این زنان ساعت کاری معینی در مترو ندارند به همین دلیل می‌توانند درصورتی‌که در خانواده‌شان مشکلی پیش آید مترو را ترک کنند و برای نظارت و حل مشکل به خانه برگردند و آنها این مورد را جز نقاط قوت و موجب آزادی عمل در کار می‌دانستند. برخی از آنان با تنظیم وقت بین کار بیرون و کار خانگی توانسته‌اند به امور خانه رسیدگی کنند هرچند مجبورند کمتر استراحت کنند و فشار و خستگی زیادی متحمل شوند. برخی دیگر حمایت شوهر یا اطرافیان برای انجام امور خانه را ذکر کردند. نکته جالب آنکه برخی دیگر از این زنان به دلایلی چون خستگی ناشی از کار، نداشتن فرزند در خانه و تنها بودن، الزامی نمی‌دیدند که به‌طور روزانه و مداوم کار خانگی را انجام دهند. تصور این زنان از کار خانگی نشان می‌دهد که آنان به‌طور مداوم در حال مقایسه کردن کار خانگی با کار در مترو هستند. بسیاری از این زنان دست‌فروش احساس رئیس بودن می‌کنند و صاحب‌کار ندارند و خودشان برای خودشان کار می‌کنند و رئیس خود هستند و چه‌بسا از یکنواخت بودن و بی‌ارج بودن کارخانگی شکایت داشتند.

خانمی ۴۸ ساله که شوهرش مریض است می‌گوید: «معمولاً یه سری کارهای خونه هست که هرروز انجام نمی‌دیم ولی شام و ناهار رو باید هرروز درست کرد معمولاً من صبح ناهار رو آماده می‌کنم به خاطر شوهرم که تو خونست. پسرم سربازه همیشه خونه نیست که نگرانش باشم ». خانمی ۴۰ ساله

که شوهرش بیکاراست می‌گوید: «بعدازظهرها که می‌رم خونه خسته‌ام برای همین صبحها یه کم زودتر بلند می‌شم و به کار خونه می‌رسم».

۳-۲-حمایت شوهر یا اطرافیان

خانمی ٤٥ ساله که شوهرش بیکار است می‌گوید: « هرچند خیلی از کارهای خونه فقط از دست خودم بر میاد و کسی نمی‌تونه انجام بده ولی بااین‌حال دخترم که تو خونست هر موقع درسش کم باشه شام درست می‌کنه خونه رو جمع و جور می‌کنه، همیشه کمکم می‌کنه». خانمی ۳۵ ساله که شوهرش به علت چک بی‌محل ورشکسته و بیکار است می‌گوید: «من وقتی می‌رم خونه خسته‌ام همیشه دخترام همه کارای خونه رو می‌کنند شوهرم هم کمکشون می‌کنه».

٤-۲-تصور زنان از کار خانگی

اکلی[1] معتقد است که محدودیت زنان در خانه نه‌تنها امری فیزیکی، بلکه پدیده روانی است. امروزه شاید زنان بتوانند هرگاه که بخواهند خانه را ترک کنند، اما دنیای آنها همواره از دنیای مردان جداست و زنان به جهان از نظرگاه آشپزی خود می‌نگرند. در همه کارها، فرد به‌طور داوطلبانه برای یادگیری چند سالی شاگردی می‌کند. اما در خانه‌داری اختیاری در کار نیست. از موقعی که به‌عنوان جنسیت زن متولد می‌شوند برای مطابقت با بقیه زنان وارد پروسه خانه‌داری که قسمتی از جامعه‌پذیری نقش زنانه است، می‌شوند و در طول بچگی با مادر یا بقیه زنان که خانه‌داری را به‌عنوان یک مسئولیت زنانه انجام می‌دهند، هویت‌سازی می‌کنند (خانی، ۱۳۸۵).

1. Oakely 1974

داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده بیانگر این موضوع است که اغلب این زنان مدام در حال مقایسه کردن کار خانگی با کار در مترو هستند. بعضی از این زنان کار خانگی را به این دلیل که از نزدیک با مشکلات و سختیهای کار بیرون دست‌وپنجه نرم کرده‌اند فرصتی برای رسیدن به آرامش در زندگی، لذت‌بخش و مختص به خود می‌دانند که از دنیای پرهیاهو بیرون رهایی می‌یابند.

خانمی ٤١ ساله که شوهرش بیکار است می‌گوید: « خوب دوست دارم کار خونه بکنم چون توش یه استراحتی است شاید تکراری باشه ولی حاضرم همش کار خونه بکنم چون اینجوری اصلاً وقت آزاد ندارم». خانمی ٣٦ ساله که شوهرش معتاد است می‌گوید: «کار خونه رو خیلی دوست دارم بهش عشق می‌ورزم از اینکه وقت ندارم تا به کارهای خونه اون طوری که دلم می‌خواد برسم ناراحتم و به خاطر کارم نمی‌تونم به‌خوبی زندگیمو کنترل کنم».

درحالی‌که در میان زنان مورد مصاحبه، بعضی اذعان داشتند ازآنجاکه یک‌عمر کار خانه را انجام می‌دهند و هیچ پاداشی دریافت نمی‌کنند آن را امری بی‌ارج و یکنواخت می‌دانند درصورتی‌که کار بیرون به آنها احساس استقلال مالی می‌دهد.

خانمی ٢٤ساله که شوهرش تصادف کرده می‌گوید: « کار خونه همیشگیه، درآمد نداره به غیر حمالی هیچ چیز نداره».

۳- نقش مادری زنان سرپرست خانوار

۱-۳- اثر شغل بر نقش مادری

مصاحبه‌ها حاکی از آن است که رسیدگی و مراقبت از فرزندان و توجه

به مسائل آموزشی و تربیتی فرزند ازجمله مواردی است که این زنان حتی در موقعیتهای دشوار روحی و احساسی خود، باز هم از این مسئولیت شانه خالی نمی‌کنند. اما بااین‌حال رسیدگی و مراقبت و توجه به فرزندان وقتی با مشکلات مالی، عدم وقت کافی، خستگی ناشی از کار بیرون همراه باشد دشوار و پرزحمت جلوه می‌کند. نگرانیهای این زنان در مورد وضعیت تحصیل، ازدواج و آینده فرزندانشان بسیار زیاد است همچنین مشکلات مالی، عدم وقت کافی و خستگی ناشی از کار به درگیریهای این زنان با فرزندانشان دامن می‌زند اما بااین‌حال این زنان تمام تلاش خود را می‌کنند تا تعادل را در زندگی خود و فرزندانشان حفظ کنند و در اثر اشتغال به کار بیرون از خانه تغییرات کمتری در رفتار با فرزندانشان ایجاد شود.

گرت[1] بیان می‌کند که مادر شاغل را اغلب خودخواه و مهم‌تر از همه، بد می‌دانند، زیرا چنین تصور می‌شود که او نسبت به فرزند خود قصور و کوتاهی می‌کند. کودکی که مادر شاغل داشته رها انگاشته می‌شود و ادعا می‌شود که غیبت مادر ممکن است بر ثبات شخصیت آیندهٔ او اثر منفی بگذارد. جنبه دیگر چنین رویکردی این است که مادر نمی‌تواند به‌عنوان یه زن به رضایت حقیقی دست یابد، مگر آن‌که وقت خود را صرف مراقبت از کودکی که خود به دنیا آورده بکند (گرت، ۱۳۸۰).

۲-۳-مسئولیت رسیدگی به تکالیف و تربیت فرزندان

بر اساس دیدگاه اجتماعی تربیت فرزند «فرزند عمدتاً محصول نوع و کیفیت تربیت و یا پرورش است و به همین دلیل باید جنبه‌های گوناگون تربیت و

1. Stephanie Garrett

پـرورش فرزنـدان در خانـواده موردتوجـه قـرار گیـرد (برنـاردز، ۱۳۸٤).

یکـی دیگـر از مقوله‌هـای در نظـر گرفتـه شـده، بـرای نقـش مـادری رسـیدگی بـه تکالیـف و مسـائل مربـوط بـه درس و تحصیـلات فرزندانشـان اسـت. رسـیدگی بـه امـور درسـی و مسـائل آموزشـی در این‌گونـه از خانواده‌هـا بـا مسـائل مالـی ارتبـاط نزدیکـی دارد بنابرایـن زنـان مـورد مصاحبـه از اینکـه نتواننـد مسـائل مالـی مربـوط بـه تحصیـلات فرزندانشـان را تأمیـن کننـد ابـراز نگرانـی و ناراحتـی می‌کردنـد. اغلـب مادرانـی کـه فرزندان آنهـا بـه تحصیـل مشـغول بودنـد اظهـار می‌داشـتند کـه بـا وجـود مشـغله کاری، کمبـود وقـت و نداشـتن سـواد، مسـائل مربـوط بـه درس آنهـا بیشـترین اهمیـت را در زندگی‌شـان دارد و تمـام تـلاش خـود را می‌کننـد فرزندانشـان دچـار افـت تحصیلـی نشـوند.

زنـی ۳٤ سـاله کـه از شـوهرش هشـت سـال اسـت بـه علـت اعتیـاد جـدا شـده می‌گویـد: «دختـرم کلاسـه پنجمـه فعـلاً خـودم تـو درسـاش کمکـش می‌کنـم مـن هرسـختی رو تحمـل می‌کنـم تادختـرم درس بخونـه و بتونـه موفـق باشـه همیشـه باهـاش حـرف می‌زنـم و یـه کاری کـردم کـه خـودش بـه درس خونـدن علاقـه داشـته باشـه». خانمـی ٤۱ سـاله کـه از شـوهرش جداشـده اسـت می‌گویـد: «پسـرم دانشجوسـت درسـش خیلـی بـرام مهمـه خودشـم میدونـه کـه مـن بـه خاطـر اون اینجـام و همـه ایـن کارا رو واسـه اون انجـام مـی‌دم کـه بتونـه درس بخونـه».

۳-۳-رابطه عاطفی و احساسی با فرزندان

مـادری را نمی‌تـوان صرفـاً فعالیتـی مشـکل تلقـی کـرد، بلکـه در عیـن سـخت بـودن می‌توانـد دلپذیـر و مملـو از روابـط عاطفـی باشـد. ایـن زنـان زندگی را بـه خاطر فرزندانشـان دوسـت دارنـد و وجـود خـود را بـرای اینکـه بتواننـد در راه پیشـرفت فرزندانشـان کاری کنند مؤثـر می‌داننـد و از اینکـه از فرزندانشـان مراقبـت و محافظـت می‌کننـد و توانایـی حـل

مشکلات آنان را دارند، احساس خوشنودی و رضایت از خود دارند.

خانمی ٤١ ساله که هشت سال است به علت اعتیاد از شوهرش جداشده می‌گوید: «من رابطه‌ام با پسرم عالیه همه چیزش برام مهمه با اینکه از صبح اینجام ولی شبها تا دیر وقت بیشتر اوقات با هم حرف می‌زنیم یه موقع بیرون می‌ریم، همیشه براش وقت می‌زارم نمی‌خوام بیفته دنبال مواد معتاد بشه، من به خاطر پسرمه که الآن اینجام» خانمی ٤٢ ساله که شوهرش بیکار و از کارافتاده است می‌گوید: «من آینده بچه‌هام بیشترین فکرمه، یه موقع که ناراحتن غر میزنن باهاشون صحبت می‌کنم دلداریشون می‌دم می‌گم خدا بزرگه، اذیتم نمی‌کنن به ازدواجشون فکر می‌کنم که بتونن سر و سامون بگیرن همین برام بسه».

٤-٣-رسیدگی به امور فرزندان کوچک

اغلب مادرانی که فرزندان کوچک داشتند با وجود آنکه نگهداری و مراقبت از فرزندشان به عهده اقوام است و حداکثر سعی خود را می‌کنند که با کم کردن ساعات کاری خود، بیشتر به امور کودکشان رسیدگی کنند، هنگام کار در بیرون از خانه بیشترین نگرانی را نسبت به کودکان خردسال خود دارند.

خانمی ٢٤ ساله که شوهرش تصادف کرده و بیکار است می‌گوید: « من بعد از نه سال بچه‌دار شدم خدا بهم یه دختر داده اونم که الآن باید پیشش باشم اینجام، نگرانشم نمی‌دونم چکار می‌کنه خوابیده، بیداره، گریه می‌کنه باید بهش شیر بدم از اینجا زود میرم خونه سه چهار ساعت بیشتر کار نمی‌کنم پیشه مادرم می‌زارمش اینجوری خیالم راحت تره». خانمی ٣٧ ساله که شوهرش بیکار است می‌گوید: «یه پسر پنج ساله دارم، نه صبح می‌آم اینجا تا پنج و شش بعد از ظهر خیلی نمی‌تونم بهش برسم خوب خسته‌ام ولی وقتی می‌بینمش خیلی دلم

براش تنگ شده یه کم باهاش بازی می‌کنم بهش شام می‌دم وقتی هم که اینجام همش فکر بچمم که چی می‌خوره»

رسیدگی به تکالیف و مسائل مربوط به درس و تحصیلات فرزندانشان مسائل آموزشی و تحصیلی فرزندان در این‌گونه از خانواده‌ها با مسائل مالی ارتباط نزدیکی دارد. درنتیجه این زنان از اینکه نتوانند مسائل مالی مربوط به تحصیلات فرزندانشان را تأمین کنند ابراز نگرانی و اضطراب می‌کردند و تمام تلاش خود را می‌کنند فرزندانشان دچار افت تحصیلی نشوند.

٤-مسائل روانی و جسمانی زنان دست‌فروش

١-٤-احساس ارزشمندی و خوشنودی(عزت نفس)

آنها به موقعیتها و فرصتهای زندگی‌شان به‌عنوان راه‌حلی برای توانمندشدن و لذت بردن نگاه می‌کنند و این شیوه تفکر به زنان این امکان را می‌دهد که دچار احساسات منفی نشوند.

خانمی ٢٧ ساله که عقد کرده ولی شوهرش بیکار است می‌گوید: «من از کرمانشاه اومدم تهران به خودم افتخار می‌کنم که خانواده‌ام به من اعتماد کردند و من الآن اینجام. من تلاشم رو می‌کنم تا بتونم خرج خانوادم رو بدم». خانمی ٤١ ساله که شوهرش ازکارافتاده می‌گوید: «هیچ وقت ناراحتی و خستگیم رو با خودم خونه نمی‌برم همین جا چال می‌کنم می‌رم خونه. ناامید نمی‌شم».

٢-٤-حس خودباوری و خوداتکائی

سارا لانگه از کارشناسان زن در حوزه افریقاست که در نظریه‌اش به‌دنبال راههای ارتقای کنترل زنان در بیشتر جنبه‌های زندگی‌شان است. در این نظریه

زنـان در دگرگونـی مؤثـر در فراینـد توسـعه، از عناصـر منفعـل بـه بازیگرانـی مسـتقل و توانـا تبدیـل می‌شـوند. او معتقـد اسـت کـه بـرای توانمندسـازی زنـان بایـد پنـج مرحلـه را طـی کـرد کـه عبارت‌انـد از: رفـاه، دسترسـی، آگاهـی، مشـارکت و کنتـرل. در مرحلـهٔ آگاهـی زنـان بایـد تشـخیص دهنـد کـه مشـکلات آنهـا ناشـی از کمبودهای شخصی‌شـان نیسـت بلکـه نشـأت گرفتـه از نقشـهای جنسـیتی مربـوط بـه فرهنـگ اسـت و بـه همیـن دلیـل قابـل تغییـر اسـت. در مرحلـهٔ مشـارکت زنـان بایـد در تمـام برنامه‌هـای مربـوط بـه خـود شـرکت می‌کننـد. مشـارکت آنهـا بایـد بـا تعـداد آنهـا در جامعـه متناسـب باشـد. مرحلـه کنتـرل مرحلـه‌ای اسـت کـه زنـان قـدرت تصمیم‌گیـری پیـدا می‌کننـد و در مـورد مشـکل خـود فکـر کـرده و بهتریـن راه‌حـل را پیشـنهاد می‌کننـد.

خانمـی ٤٤ سـاله کـه شـوهرش مریـض و بیـکار اسـت می‌گویـد: «هـم کارخونـه می‌کنـم هـم کار بیـرون فکـر می‌کنـم بـه خوبـی می‌تونـم از عهـدش بربیـام هرچنـد خسـته می‌شـم مـن فکـر می‌کنـم کار ده تـا مـرد رو انجـام مـی‌دم فکـر می‌کنـم مـردا هـم نمی‌تونـن اینجـوری مثـل مـن باشـن». خانمـی ٤٠ سـاله کـه شـوهرش بیـکاره می‌گویـد: «احسـاس شـهامت و مردانگـی می‌کنـم هـم کار خونـه هـم کار بیـرون، مـن واقعـاً خیلـی بـه خـودم ایمـان دارم کـه می‌تونـم بـا همـه ایـن گرفتاریهـا کنـار بیـام».

۳-٤-استرس، افسردگی و سلامت جسمانی

اسـترس: ایـن فاکتـور بـه نظـر جـزو جدایی‌ناپذیـر زندگـی ایـن زنـان اسـت، تحمـل بـار اقتصـادی خانـواده مهم‌تریـن دلیـل اسـترس اسـت. همان‌طـور کـه در بخشـهای قبلـی عنـوان شـد، تمامـی زنانـی کـه مـورد مصاحبـه واقـع شـدند، تنهـا منبـع درآمدشـان دست‌فروشـی در متـرو اسـت. ازآنجایی‌کـه کسـب درآمـد در ایـن شـغل، هـم بـه دلیـل حضـور مأموریـن متـرو و هـم رفتـار برخـی از مسـافران، بـا ریسـک بالایـی هـم راه

است استرس این زنان افزایش پیدا می‌کند. اما به‌هرحال بیشتر این زنان بیوه مطلقه یا افرادی که مشاغل خود را به‌دلیل کمبود درآمد رها کرده‌اند همه بر این باورند که نان حلال به خانه می‌برند گرچه کاری است ممنوع و پراسترس ولی کاری حلال است.

۱-۳-٤-افسردگی: مترو برای دسته‌ای از این زنان به فضایی برای گریز از افسردگی تبدیل شده است. آنان که در ابتدا برای رفع نیازهای بسیار ضروری وارد این شغل شدند امروزه مثل یک معتاد نمی‌توانند این کار را رها کنند. از نظر اقتصادی مشکلات قبلی آنها رفع شده است، اما از نظر روحی و عاطفی نمی‌توانند از این شغل دل بکنند. آنها به گفت‌وگوی با مسافران و داشتن روابط با آنها عادت کرده‌اند. مترو برای این دسته از دست‌فروشان فرصت فرار از تنهایی، انزوا، یکنواختی محیط خانه و افسردگی شده است.

٤-۳-۲-علائم جسمانی: ازآنجاکه مترو در زیرزمین احداث شده است هوای آنجا بسیار سنگین است و سرب دارد و افرادی که ساعات زیادی در این مکان باشند ازجمله دست‌فروشان مشکلات تنفسی و ریوی پیدا می‌کنند؛ لذا باید به مقدار زیاد شیر مصرف کنند که مصرف شیر هم به دلایل بیماری معده و عوامل دیگر برای همه امکان‌پذیر نیست. دست‌فروشان زن به دلایل متعددی که پیش‌تر ذکر شد دائم مسیر خود را در مترو تغییر می‌دهند و ازآنجاکه جمعیت فوق‌العاده‌ای در مترو جابه‌جا می‌شوند، نمی‌توان به پله‌های برقی اکتفا کرد و برای سرعت بخشیدن به کارشان از پله‌های ثابت استفاده می‌کنند استفاده مداوم از پله‌های عادی باعث شده است که زانودرد نیز یکی از بیماری‌های شایع در میان آنان باشد. همچنین زنان دست‌فروش مدت‌های مدیدی را باید در وسط واگنهای قطار بایستند یا راه بروند و دائم خم و راست شوند و اگر حجم

اجناس فروشی آنها هم زیاد باشد که مشکلات آنان بیشتر می‌شود. نکته مهم اینکه شاید این زنان با بیماریهای دیگری نیز دست‌به‌گریبان باشند اما به نظر می‌رسد در ارتباط با شغل‌شان به این بیماریها اشاره کرده‌اند.

خانمی ۳۲ ساله که خرج پدرش را می‌دهد می‌گوید: «از مشکلات این کار اینه که هر روز باید این جنسها رو جابه‌جا کنم. این جنسها هم خیلی سنگینه هزار جور مرض می‌گیری، کمرم درد می‌گیره». خانمی ۳۶ ساله که شوهرش بیکار است می‌گوید: «وقتی میبینم این همه کار رو با هم می‌کنم و هیچ پشتیبانی ندارم تموم خستگی تو تنم می‌مونه خیلی سخت و خسته کنندست تمام زندگیم شده مترو و قطار و آدمهایی که فکر می‌کنن ما از مریخ اومدیم».

بحث

در کنار سایر مشاغل کاذب در ایران، دست‌فروشی در مترو پدیده‌ای است که پیدایش آن به ورود مترو به کشور برمی‌گردد و جمعیت زیادی از زنان و مردان را به خود مشغول کرده است. بیشتر دست‌فروشان مترو را زنان تشکیل می‌دهند که برای امرار معاش و داشتن منبع درآمدی به این کار روی آورده‌اند و با ورود به قطار اجناس گوناگونی را به فروش می‌رسانند و بدین‌گونه فروشندگی در مترو نوعی کسب‌وکار و مترو نیز به بازار متحرکی برای خریدوفروش تبدیل شده است. زنان دست‌فروش، خود را نان‌آور و سرپرست خانوار معرفی کرده و مترو را با وجود دغدغه‌ها و استرسهای آن مکانی امن و آبرومند برای کسب درآمد قلمداد می‌کنند. این زنان در هنگام بحرانهایی از قبیل فوت شوهر، جدایی از همسر، فشار زندگی، فقر، نیاز اقتصادی و عدم تخصص و مهارت به آن روی می‌آورند. نباید از نظر دور داشت که به‌طور یقین مسئله اقتصادی مهم‌ترین

دلیل حضور زنان دست‌فروش در مترو است. که در زندگی روزمره با مشکلات عدیده مالی مواجه‌اند. آنچه وضعیت نابسامان اقتصادی زنان سرپرست خانوار را تشدید می‌کند نابرابری دستمزدها، بهره‌کشی روحی، جسمی و جنسی زنان در محیط کاری است. زنان دست‌فروش در مترو پایین بودن دستمزد و نگاه بد مردان در محیط کاری را دلیل انتخاب این شغل اعلام می‌کنند. دست‌فروشی منزلت اجتماعی بالایی برای این زنان ندارد، سود و زیان آن تأثیری در کاهش یا افزایش درآمد ملی ندارد و دست‌فروشان ازآنجاکه با این شغل مالیات نمی‌پردازند و اجاره مغازه نیز نمی‌دهند و مشتریان بیشتری را می‌توانند نسبت به کالاهای خود جذب کنند، هرگز نمی‌خواهند که این کار را از دست بدهند و این موضوع که دست‌فروشی وجهه خوبی دارد یا نه، برای آنها مهم نیست. تلاش برای نابودی تدریجی این شغل توسط مأمورین نیروی انتظامی و فشار آنان بر زنان دست‌فروش مترو، از تعداد آنان نکاسته است بلکه فقط دست‌فروشان را محتاط‌تر کرده است و آنان همچنان به فعالیت خود البته با دقت بیشتر و نیز محدودیت ادامه می‌دهند. استقلال مالی، خودکفایی و به دست آوردن روزی حلال از دلایل محکم زنانی است که می‌خواهند بر این امر پابرجا باشند. زنان دست‌فروش در مترو مشکلات زیادی دارند از نگاههای تحقیرآمیز و سرد مسافرا ن گرفته تا سرزنشها و توهینهای فامیل و آشنایان، از پنهانی دست‌فروشی کردن از ترس مأموران نیروی انتظامی تا بیماریهای تنفسی و ریوی به خاطر هوای سنگین و سرب‌دار مترو، ولی آنان نمی‌خواهند از این کار دست بکشند.

پس از مطالعهٔ نقشهای چندگانه این زنان و ارتباط هر یک از آنها با وضعیت روانی آنها، این نتیجه حاصل شد که هر یک از نقشهای زنان سرپرست خانوار همانند خانه‌داری، نان‌آوری، مراقبت و مادری دربردارنده مجموعه‌ای از فرصتها و

محدودیتهای مختلف است. «رویکردهایی مانند تکثر نقش، تضاد نقش، فشار بار اضافی نقش که در چارچوب نظری تحقیق ذکر شد حکایت از آن دارند که انتظارات و فشارهای ناشی از ایفای چند نقش توأمان باعث می‌شود زنان شاغل از نظر سلامت نسبت به زنانی که فقط به نقشهای سنتی می‌پردازند، در وضعیتی نامطلوب قرار گیرند. در مقابل، مدلهای دیگری مانند فرضیهٔ اعتلای نقش و نظریهٔ بسط نقش بر این نکته تأکید دارند که اشتغال به‌عنوان نقشی جدید که به نقشهای سنتی اضافه شده، موجب عزت نفس بیشتر، استقلال مالی بیشتر و کسب حمایت اجتماعی گسترده‌تر می‌شود» (احمدنیا، ۱۳۸۳). با توجه به این دو رویکرد، یافته‌های این تحقیق بیان‌گر تلفیقی از این دو مدل است و نشان‌دهنده این واقعیت‌اند که اگرچه زنان سرپرست خانوار مشکلات زیادی دارند ولی به این معنا نیست که آنان به‌طور انفعالی با این شرایط برخورد کنند و نتوانند بر مشکلات خود فائق آیند. شغل این زنان (دست‌فروشی در مترو) در کنار سایر نقشهای سنتی‌شان از طریق افزایش سطح درآمد خانواده می‌تواند فقر معیشتی آنان را تقلیل دهد و درآمد حاصل از آن، آزادی و استقلال زنان سرپرست خانوار را بهبود بخشد. همچنین به دلیل تأثیر روحی و روانی آن و ایجاد احساس همدردی میان آنها در حین کار سطح توانمندی آنان را در زندگی شخصی ارتقا بخشیده است. ماهیت کاری آنان موجب برنامه‌ریزی برای حوزه‌های مختلف زندگی‌شان شده است و فرصتی برای افزایش مهارتهای زندگی، بروز خلاقیتها، ایجاد خودآگاهی و عزت نفس فراهم آورده است.

اما به‌هرحال در کنار آثار مثبت تأمین معاش و بروز خلاقیت نمی‌توان از پیچیدگی و دشواریهای تعدد نقش که وابسته به شغل این زنان است غافل ماند. زنان دست‌فروش مترو به‌دلیل ماهیت شغلی خود استرس زیادی را در رابطه با وجود مأمورین مترو یا دیده شدن توسط آشنایان یا افراد فامیل حین کار تحمل می‌کنند.

که این امر تا حدودی زمینه را برای ایجاد اختلالات روانی مانند اضطراب، ناامیدی و خستگی و افسردگی آنان فراهم می‌سازد. همچنین مضاعف شدن وظایف این زنان– علاوه بر انجام امور خانه– در خارج از منزل و تحمل خستگی ناشی از آن موجب شده که مسئولیتهای نقش مادری (حمایت عاطفی از فرزند، برقراری محیط ایمن از نظر فیزیکی و روانی و آموزش و تربیت فرزندان) بر دوش آنان سنگینی کرده و بیشترین نگرانی و اضطراب را نسبت به وضعیت تحصیل، ازدواج و آینده شغلی فرزندانشان داشته باشند. ولی آنان نمی‌خواهند از این کار دست بکشند و می‌خواهند استقلال مالی و خودکفایی‌ای را که به دست آورده‌اند با تمام وجود حفظ کنند. بختیاری (۱۳۸۵) نیز در تحقیق خود به این مسئله اشاره می‌کند که کمیت نقش به‌تنهایی باعث ایجاد فشار و تعارض نمی‌شود، بلکه توانایی فرد در کنترل و میزان حمایتهای دریافتی از ناحیه فامیل و آشنایان، نقش تعیین‌کننده‌ای در ادراک فرد از فشارهای موجود دارد. بنابراین تأثیر مشکلات و عوامل ایجاد استرس در زنان سرپرست خانواده، وابسته به میزان کنترل بر امور، نوع مهارتهای مقابله‌ای و حمایت اجتماعی است.

بنابراین به‌طورکلی هرچند که یافته‌های این تحقیق قابلیت تعمیم به کل جمعیت زنان سرپرست خانوار را ندارد، اما حداقل در سطح همین نمونهٔ خاص می‌توان گفت که کار خارج از خانه تأثیری مخرب بر این زنان نداشته است.

مشکلات تحقیق

از مشکلات تحقیق مصاحبه در زمان کاری دست‌فروشان بود چراکه دست‌فروشان تمایل نداشتند کار خود را رها کنند و بیشترشان می‌گفتند وقتی واگنهای قطار خلوت بشود، مصاحبه می‌کنند و دست‌فروشی را رها نمی‌کردند. لذا محقق می‌بایست درون واگنهای قطار می‌نشست تا اینکه در ایستگاههای

آخـر، زمانـی کـه واگنهـا تقریبـاً خلـوت از جمعیـت می‌شـدند و دیگـر فـروش نداشـتند مصاحبـه را انجـام دهنـد و دست‌فروشـان بااین‌وجـود هنـوز تمایـل نداشـتند زیـاد صحبـت کننـد و تمایـل داشـتند کـه هرچـه سـریع مصاحبـه را تمـام کننـد امـا در ایـن میـان عـده‌ای هـم بودنـد کـه کار خـود را رهـا می‌کردنـد و در سـکوهای متـرو کـه بیـرون از واگنهـای قطـار هسـت مصاحبـه را در طولانی‌مـدت انجـام دادنـد. ازآنجایی‌کـه مصاحبه‌هـا در میـدان تحقیـق (زیرزمین‌هـای متـرو) انجـام می‌شـد حیـن ضبـط مصاحبـه صـدای ترمـز قطـار می‌آمـد و به‌این‌علـت از مصاحبه‌شـوندگان خواسـته می‌شـد کـه هنـگام آمـدن قطـار بلندتـر صحبـت کننـد و ایـن صـدا بـه مـدت فاصلـه زمانـی ۵ دقیقـه تکـرار می‌شـد و همچنیـن صـدای راهنمـای هـر ایسـتگاه کـه در زمـان توقـف قطـار، ایسـتگاهها را اعـلام می‌کـرد سـبب می‌شـد کـه قسـمتهایی از مصاحبـه به‌صـورت تناقـض ضبـط شـود و صداهـای پراکنـده در متـرو بسـیار بـود. از دیگـر مشـکلات تحقیـق اجـازه نـدادن خانمهـای دسـت‌فروش بـرای ضبـط صـدا و عکـس بـود کـه در اینجـا محقـق بایـد توضیحاتـی را ارائـه مـی‌داد و سـپس رضایـت می‌دادنـد امـا در مـورد عکـس گرفتـن به‌جـز چنـد مـورد بیشترشـان مخالـف بودنـد و آنهایـی هـم کـه اجـازه بـرای عکـس گرفتـن می‌دادنـد دائـم تذکـر می‌دادنـد کـه از چهـره آنـان عکـس گرفتـه نشـود و فقـط از اجنـاس آنهـا عکـس بگیـرم.

پیشنهادها

- اجـرای طـرح توانمندسـازی می‌توانـد در بهبـود وضعیـت ایـن زنـان به‌ویـژه زنـان جـوان یـا میانسـال فروشـنده در متـرو مؤثـر واقـع شـود. مهم‌تریـن روش توانمندسـازی از طریـق کارآفرینـی، اشـتغال‌زایی و ارتقـای ظرفیتهـا و تواناییهـای آنـان انجـام می‌گیـرد. بـا اجـرای ایـن طـرح، روشـهای تأمیـن نیازهـا به‌صـورت مسـتقیم از سـوی دولـت و

سازمانهای حمایتی کاهش یافته و زنان خود قادر به تأمین نیازهایشان می‌شوند.

– ایجاد غرفه‌هایی برای فروش در مترو که این زنان توان اجاره آن را داشته باشند، موجب سازمان‌دهی آنان و ایجاد مهارتهای شغلی و حرفه‌ای می‌شود و یکی از روشهای مؤثر توانمندسازی است.

–از راههای دیگر برای توانمندسازی این زنان توزیع «کارت فروشندگی مترو» است. فروشندگان مترو با ارتباط شبکه‌ای بین خود می‌توانند در شناسایی افرادی که واقعاً نیازمند به کار هستند، کمک کنند.

–فرهنگ‌سازی در جهت تغییر نگرش منفی مردم نسبت به زنان سرپرست خانوار آرامش و امنیت شغلی را موجب شده و زمینهٔ اشتغال آنان را در جامعه بیش‌تر مهیا می‌کند.

– لزوم آموزش مشاغل خانگی درآمدزا و پایدار به‌منظور داشتن وقت کافی برای رسیدگی به امور خانه و فرزندانشان.

–به‌کارگیری افراد متخصص مثل مددکاران اجتماعی و مشاوران در حوزهٔ زنان که مشکلات این زنان را شناسایی کرده و آنها را از لحاظ روحی و روانی مورد حمایت قرار دهند.

- آجورلـو، س. (۱۳۸۹). ***زنـان در مشـاغل کاذب*** (پایان‌نامـه کارشناسـی ارشـد منتشرنشـده). دانشـگاه تهـران، تهـران.
- احمدنیـا، ش. (۱۳۸۰). بررسـی عوامـل فرهنگـی و اجتماعـی مؤثـر بـر مشـارکت محـدود زنـان. ***نامـه انجمـن جامعه‌شناسـی ایـران***. ۱(۲)، ۱۰۵-۶۷.
- احمدنیـا، ش. (۱۳۸۳). اثـرات اشـتغال بـر سـلامتی زنـان. ***فصلنامـه رفـاه اجتماعی***، ۳(۱۲)، ۱۷۸-۱۵۷.
- ادیـب حـاج باقـری، م. و همـکاران (۱۳۶۸). ***روش تحقیـق کیفـی***. تهـران: نشـر و تبلیـغ بشـری.
- برنـاردز، ج. (۱۳۸٤). ***درآمـدی بـه مطالعـات خانـواده*** (ح. قاضیـان، ترجمـه). تهـران: نشـر نـی.
- بنیانیـان، ز. (۱۳۸۵). همایـش توانمندسـازی و کارآفرینـی زنـان سرپرسـت خانـوار. ***نشـریه اتـاق بازرگانـی***، ۱(۳). ۹۸-٤۵.
- بختیـاری، آ. و محبـی، س. ف. (۱۳۸۵). حکومـت و زنـان سرپرسـت خانـوار. ***فصلنامـه مطالعـات راهبـردی زنـان***، ۳٤، ۱۱۰-٦۷.
- توسلی، غ.ع. (۱۳۸۲). ***نظریه‌های جامعه‌شناسی***. تهران: انتشارات سمت.
- سفیری، خ. (۱۳۸۷). ***روش تحقیق کیفی***. تهران: پیام پویا.
- شـادی‌طلب، ژ. و گرایی‌نـژاد، ع. ر. (۱۳۸۳). فقـر زنـان سرپرسـت خانـوار. ***فصلنامـه پژوهـش زنـان*** (زن در توسـعه و سیاسـت)، ۲(۱)، ۷۰-٤۹.
- گرت، ا. (۱۳۸۰). ***جامعه‌شناسی جنسیت*** (ک. بقائی، ترجمه). تهران: نشر دیگر.
- خانـی، ف. (۱۳۸۵). ***جنسـیت و توسـعه***. تهـران: پژوهشـکده مطالعـات فرهنگـی و اجتماعـی وزارت علـوم، تحقیقـات و فنـاوری.
- صالحـی، ج. (۱۳۷۳). ***تعـدد نقـش و احسـاس رضایـت از آن بـر میـزان عـزت نفـس و فشـار روانـی بـر دبیـران زن*** (پایان‌نامـه کارشناسـی ارشـد منتشرنشـده). دانشـگاه تربیـت مـدرس، تهـران.
- فـروزان، س. و بیگلـران، ب. (۱۳۸۲). زنـان سرپرسـت خانـوار؛ فرصتهـا و چالشـها. ***فصلنامـه پژوهـش زنـان***، ۱(۵)، ۵۸-۳۵.
- معیدفـر، س. و حمیـدی، ح. (۱۳۸٦). زنـان سرپرسـت خانـوار: ناگفته‌هـای آسـیبهای اجتماعـی، ***فصلنامه علـوم اجتماعـی***، ۱۵(۳۲)، ۱۵۸-۱۳۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). ***ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی زنان در ایران***.
- نـوری، م. (۱۳۸۲). ***بررسـی سـلامت روان زنـان سرپرسـت خانـواده***. تهـران: انتشـارات سـازمان بهزیسـتی کشـور.

- Aryee, S. & Luk, V. (1996). Balancing two major parts of adult life experience L: Work and Family Identity among Dual- Earner Cou Ples, Human Relation. " ***Studies Sex Roles Regresision Anlaysis Familie***, Vol 49. Issue 4, and No 4. 504-566.

- Good, J. William (1960). Multiple roles and well – deing among midlife woman: Testing role strain and role enhancement the ories, ***the journal of Gerontology***, vol 538, Issue 6, and No 7. 163-169.

- Seeber, S. (1974). Toward a Theory of Role Accumulation. American ***Sociological Review***, 9(2): 58-63.

- Tabatabaei, Sh. (2003). ***Study of self-esteem and mental health of peopleinternational their employment status In Iran (Unpublished dissertation)***. Chandigah University, India.